

این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش این اقدام پژوهی با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت فروشگاه علمی آسمان مراجعه کنید . [www.asebankafinet.ir](http://www.asebankafinet.ir)

## موضوع اقدام پژوهی :

چگونه وضعیت انضباطی دانش آموزان پایه دوم راهنمایی

را بهبود بخشیدم .

[www.asebankafinet.ir](http://www.asebankafinet.ir)

فروشگاه علمی آسمان

این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش این اقدام پژوهی با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت فروشگاه علمی آسمان مراجعه کنید . [www.asebankafinet.ir](http://www.asebankafinet.ir)

سیاس:

سیاس شایسته ی پروردگاری است که این فرصت را در اختیار بنده قرار داد تا بتوانم با یاری و هم اندیشی

مشاورین محترم ی مدرسه و همکاران عزیزم، این پژوهش را به نحو احسن انجام دهم

فروشگاه علمی آسمان

## فهرست مطالب

۲	چکیده
۳	«مقدمه : توصیف وضعیت و تبیین مسئله»
۴	(به گفته ی معلم ریاضی )
۵	شواهد ۱
۷	از زبان دبیر زبان انگلیسی :
۱۰	تعریف مفاهیم و واژگان کلیدی
۱۰	یافته های علمی
۱۳	پیشینه تحقیق:
۱۶	تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها:
۱۶	به شرح ذیل:
۱۶	تفسیر:
۱۸	اجرای راهکار های پیشنهادی و نظارت بر آنها:
۲۳	گردآوری شواهد ۲:
۲۳	ارزشیابی تأثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار:
۲۴	ارائه راه حل های پیشنهادی و بررسی راه حل ها
۲۸	منابع

## چکیده

اینجانب ..... دارای مدرک .....، معاون آموزشی مدرسه ..... شهرستان .....، دارای ..... سابقه خدمت در آموزش و پرورش هستم. شاکر خداوند مهربانی هستم که لطفش را هیچ وقت از بنده‌اش دریغ نمی‌ورزد و افتخار می‌کنم که بتوانم راهرو و ادامه دهنده راه انبیا و اولیای الهی باشم و نور دانش و توانایی را در این دانش‌آموزان میهن اسلامی شعله ور نمایم.

با نام و یاد یگانه ایزد توانا از آنجا که مسأله اخلاق و تربیت از نظر اجتماعی و آموزشی و از دیدگاه دین مبین اسلام بسیار مورد اهمیت می‌باشد و اینجانب نیز نسبت به این موضوع حساسیت خاص خصوصاً در زمینه‌ی دانش‌آموزان داشته‌ام و از آنجایی که رشته مورد تدریس نیز دینی و عربی است که خود اخلاق و تربیت سرلوحه کارش می‌باشند، و از جهت دیگر دانش‌آموزان کلاس دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۲ را از این نظر ضعیف و کم‌انگیزه دیدم و برخی کارهای غیر هنجار از جمله تقلب در کلاس، بی‌انگیزگی در یادگیری و بی‌حوصلگی در تحمل کلاس و ... در بین این دانش‌آموزان دیده می‌شد، بر آن شدم تا منشأ این مشکلات را پیدا کنم. و در این راه از راه‌های متفاوتی استفاده کردم و اقداماتی انجام دادم از جمله تهیه تعدادی عکس از وضع نامطلوب و مطلوب کلاس، گرفتن آزمون‌هایی در زمان وضع نامطلوب و مطلوب، گرفتن نظر دانش‌آموزان در هر دو شرایط، نظرخواهی از همکاران و مدیریت به طریقه پرسشنامه در رابطه با این موضوع، رفتن به اردو همراه با بچه‌ها در جهت رفع مشکل، تشکیل جلسه شورای اولیاء و مربیان این کلاس و کمک گرفتن از والدین این بچه‌ها. و با توجه به شواهد موجود و وقت اندکی که در این راه در اختیار داشتم شروع به کار کردم و متأسفانه آن تغییر شگرف حاصل نشد اما تغییرات نسبی بدست آمد.

## «مقدمه : توصیف وضعیت و تبیین مسئله»

اینجانب ..... دارای مدرک .....، معاون آموزشی مدرسه ..... شهرستان .....، دارای ..... سابقه خدمت در آموزش و پرورش هستم . شاکر خداوند مهربانی هستم که لطفش را هیچ وقت از بنده اش دریغ نمی‌ورزد و افتخار می‌کنم که بتوانم راهرو و ادامه دهنده راه انبیا و اولیای الهی باشم و نور دانش و توانایی را در این دانش‌آموزان میهن اسلامی شعله ور نمایم.

با توجه به شواهدی که داشته‌ام مسئله مورد نظرم که مشکل اخلاقی و انضباطی و درسی دانش‌آموزان دوم است به قرار زیر می‌باشد:

۱- در روزهای آغازین سال تحصیلی متوجه برخی بی‌انضباطی و بی‌انگیزگی‌هایی از جانب تعداد کثیری از دانش‌آموزان کلاس که حدود ۲۵ نفر هستند شدم به حدی که این مسئله نوعی گریز و بی‌بزاری از این کلاس به من القا کرد. اما بعد از دو سه جلسه متوجه شدم که دانش‌آموزان کمی آرامتر و متمایل تر به کلاس شده‌اند و کمی جو کلاس رو به دوستی و درس پیش می‌رود و به این نتیجه رسیدم که می‌توانم از در دوستی با ایشان وارد شد و برای مثال یک مرتبه یکی از آنها علیرغم قوانین مدرسه موبایل آورده بود که من علیرغم متوجه شدن چشم پوشی کردم و اگرچه شاید این کار من از نظر اولیای مدرسه جالب و صحیح نبود اما مرا در جلب اعتماد و دوستی بیشتر با ایشان یاری و آنها را آرام تر کرد و متوجه شدم با مصالحت و دوستی می‌توانم تا حدی مسئله را حل کرد ولی چگونه؟

۲- طی چند ماه متوجه شدم که از طرف همکاران آموزشگاه هم به شدت از این کلاس انتقاد می‌شود و کارهایی را که دانش‌آموزان انجام می‌دهند خلاف مقررات مدرسه است مثل همان مسئله موبایل که ذکر شد. و همه همکاران یکصدا می‌گفتند دوم فلان و ... ولی هیچ کس در صدد اصلاح وضعیت نابهنجار بر نمی‌آمد.

۳- از جمله کارهایی که بچه‌ها سر کلاس انجام می‌دادند که جو کلاس را به هم می‌ریخت و باعث آزار می‌شد:

## (به گفته ی معلم ریاضی )

۱- همواره امتحان هایی را که مشخص می کردم به بهانه های مختلف به تعویق می انداختند. همواره ابراز خستگی و بی حوصلگی و بی علاقه‌گی به درس می کردند و با گفتن «خسته نباشید» و «آقا بس است» و «خسته شدیم» و ... می خواستند کلاس را به مسائل غیر از مسئله درس بکشانند. گاهی عده ای بدون اجازه از جا بلند می شدند. راه می افتادند و نزد دوستان خود می رفتند و خوراک می خوردند یا از آینه و اسپری سر کلاس استفاده می کردند. در این زمینه چندین بار با ایشان برخورد کردم ولی نمی دانستم چه کنم تا جلو این بی نظمی ها را بگیرم و وضع را بهبود بخشم .

شخصاً تصمیم گرفتم کاری را در زمینه حل مشکل این کلاس انجام دهم و برای این کار با راهنمایی یکی از همکاران ابتدا از وضعیت نامطلوب کلاس جهت مستندسازی عکس هایی تهیه کردم و دیگر اینکه پرسشنامه هایی را به دانش آموزان ارائه دادم که متأسفانه بی انگیزگی و بی علاقه‌گی در حل این سؤالات حتی در بین ایشان موج می زد. متأسفانه نمونه این پرسشنامه را به جهت بی تجربگی در کار نگه نداشتیم و این پرسشنامه موجود نیست.

قدم بعدی گرفتن یک آزمون کوتاه در زمان وضعیت نامطلوب بود که در زمان انجام این آزمون یکی از بچه ها با بهانه بیماری بعد از پخش شدن سؤالات پرسشنامه خود را با گستاخی روی میز گذاشت و گفت: من امتحان نمی دهم. وقتی چرایی کارش را جويا شدم با بی تفاوتی شانه ها را بالا انداخت و گفت: بیمار بودم (تمارض) و یکی دیگر از آنها گفت درس نخوانده و باز امتحان نداد و دیگران هم که نشسته بودند و مثلاً امتحان می دادند شروع به تقلب کردند. خواستم آنها را از هم جدا کنم که با عکس العمل مواجه شدم که برخاستند، قهر کرده و برگ خود را روی میز گذاشتند و رفتند و گفتند امتحان نمی دهند. اینگونه مسائل مرا بر آن داشت تا در رفع مشکل این کلاس با همکارانم در صدد حل مشکل برآیم. و اینگونه شروع کردم:

## شواهد ۱

در اولین گام برای شواهد ۱ کلاس دوم پرسشنامه ای تهیه کردم و با طرح ۵ سؤال به دانش آموزان نظرات ایشان را راجع به چگونگی رفتارها و نگرش و برنامه هایی که برای آینده خود دارند پرسیدم و شواهدی تهیه کردم. اما متأسفانه چنانکه قبلاً نیز ذکر شد این شواهد موجود نمی باشد اما پاسخ های ایشان به این پرسشنامه بسیار مایوس کننده بود. اما پرسشنامه دوم را مدتی بعد از شروع کار به ایشان دادم .

با توجه به پاسخ هایی که دانش آموزان به پرسش نامه دادند اینگونه نتیجه گیری کردم که پاسخ اکثریت بچه ها به سؤال «انگیزه و هدف از آمدن به مدرسه» هدف های خوب و ارزشمندی چون رفتن به دانشگاه و مفید بودن به حال خود و جامعه بود یا حداقل هدف ایشان ادامه تحصیل بود. از این پاسخ بچه ها با آن اخلاق و بی انگیزگی که از آنها سراغ داشتم بسیار تعجب کردم و برآیم جالب بود. البته ناگفته نماند که در پرسشنامه ی اول بچه ها در پاسخ به این سؤال بیشتر گفته بودند هدفشان وقت گذرانی و تنوع است. پس در پاسخ آنها به سؤال اول تقریباً چنین برداشت کردم که بچه ها حتماً انگیزه های خوبی برای درس خواندن دارند ولی عوامل دیگری چون جو مدرسه، دبیران، کتب درسی، اولیاء و . . . باعث اینگونه بی انگیزگی ایشان شده است. البته در این نوبت هم بودند دانش آموزانی که در جواب این سؤال گفته بودند حقیقتش نمی دانند چرا به مدرسه می آیند یا برای گذراندن وقت و . . . ولی اکثریت انگیزه های خوبی داشتند.

در پاسخ به پرسش «چرا بیشتر مواقع در کلاس ابراز خستگی و بی حوصلگی می کنند؟» عده ای زنگ آخر بودن بعضی دروس را بهانه ی بی حوصلگی و خستگی قرار دادند. عده ای روش تدریس را دوست نداشتند، گروهی از خود درس بدشان می آمد، برخی کتاب را حجیم می دیدند و تعداد کمی هم عوامل بیرونی چون افکار و مشکلات خارجی (خانواده و . . .) را دخیل بر بی حوصله بودن سر کلاس می دانستند. با توجه به جمع بندی پاسخ های بچه ها به این پرسش به این نتیجه رسیدم که با تغییر روش تدریس و متنوع کردن کلاس حداقل کاری که می توانم و از دست من ساخته است را انجام دهم تا به بهبود این وضع کمک کنم. و اتفاقاً چنین هم شد و تا حدی با تغییر روش به هدفم رسیدم.

در جواب سؤال «رابطه با اولیاء» بچه ها اکثراً می گفتند که روابط خوبی با اولیائشان دارند و از آنجایی که پرسشنامه ها بی نام بود چند نفری هم که نوشته بودند رابطه خوبی ندارند را نتوانستم پیدا کنم و با اولیائشان صحبت کنم. به جز یک مورد که نوشته بود رابطه اش با مادرش افتضاح است که اتفاقی متوجه شدم پرسشنامه چه کسی است، از او خواستم به مادرش بگویند بیاید تا با او صحبت کنم. مادرش آمد و وقتی با او صحبت کردم از حرف هایمان به این نتیجه رسیدم که فقط حساسیت های مادرانه و دلسوزانه مادر و شرایط سنی آن دانش آموز است که تصور می کند رابطه اش با مادرش بد است. در پاسخ به سؤال «نظر شما در رابطه با معلم هایتان چیست؟» اکثریت نظر منفی داشتند که با توجه به پاسخ های پرسشنامه همکاران نیز به این نتیجه رسیدم که متقابلاً همکاران هم نظر خوبی نسبت به بچه ها ندارند.

مشاهده کردم بچه ها در پاسخ به سؤال «چه برنامه ای برای آینده خود دارید؟» اکثراً ایده ها و برنامه های خوبی داشتند مثل رفتن به دانشگاه، سر کار رفتن و پولدار شدن، ازدواج و... دانستم که باید به دنبال عوامل مخرب و موانع راه ایشان گشت و آنها را از بین برد تا بچه ها به هدف های درستشان هدایت شوند.

و در پاسخ به سؤال آخر نظر اکثر بچه ها نسبت به درس زبان فارسی که قسمت خشک و خسته کننده (به قول دانش آموزان و حتی گاهی اکثر همکاران رشته دینی) این بود که این درس بد و خسته کننده است ولی از سر لطفی که به اینجانب داشته اند نظر مثبت (و گاه منفی) نسبت به نحوه تدریس و شخص من داشتند بر آن شدم نقاط ضعف خود را پیدا کرده و اصلاح نمایم.

پس از آن از وضع نامطلوب کلاس عکس هایی گرفتم که زمان گرفتن عکس های بچه ها متوجه شدند. برخی به طنز می گفتند خانم برای روزنامه می خواهید؟ گاهی ژست می گرفتند و از من می خواستند از آنها عکس یادگاری بگیرم و شور و شوق و هیجانی در آنها ایجاد شد. برخی می گفتند خانم مشکوک شدید از ما عکس می گیرید می خواهید برای چی؟...

بعضی از دبیران اذعان می کردند در حین تدریس بچه ها پنهانی یا به وضوح و راحت سر کلاس غذا می خوردند و این خوردن باعث حواس پرتی می شود.



نمی دانستم با ایشان چه کنم. با مشورت با مدیر محترم مدرسه به این نتیجه رسیدم که اینگونه با ایشان مقابله کنم که خوراکی را بدون بحث از آنها بگیرم در گوشه ای از کلاس بگذارم و بعد از تمام شدن کلاس آنها را دعوت به خوردن کنم و این کار اتفاقاً جواب مثبت داد. من این پیشنهاد را به همه همکاران ابلاغ کردم

## از زبان دبیر زبان انگلیسی :

یک روز که دو نفر مشغول خوردن شیر سر کلاس بودند ظرف شیر را به آرامی از آنها گرفتم و گوشه تخته سیاه گذاشتم. بچه ها خندیدند. ناگهان صدا و بوی اسپری از گوشه کلاس آمد. متوجه شدم یکی از بچه ها از ته کلاس به خود اسپری زد. گفتم چرا سر کلاس؟ گفت خانم من وقتی ورزش می کنم و می دوم عرق می کنم و بدنم بوی بد می گیرد و باید اسپری بزنم. زنگ قبل ورزش داشتیم و دویدم. اسپری را نیز از او گرفتم و کنار ظرف های شیر گذاشتم. آنگاه یکی از بچه ها از گوشه ی دیگر کلاس یک بسته پازل آورد و خودش کنار شیر و اسپری گذاشت. یکی هم آینه اش را آورد و احساس کردم با این کارشان می خواهند همکاری خود را در جمع آوری عوامل حواس پرتی اعلام کنند.

البته همه عکس ها به جز چند مورد مرا به هدف نزدیک نکرد چون بقیه تصنعی شدند. برای جلسه آینده یک آزمون بسیار کم حجم گذاشتم و در جلسه بعد که در تاریخ ۹۱/۱۱/۲۷ بود با بهانه تراشی و تقلب و تمارض بچه ها مواجه شدم و نتیجه مطلوب و دلخواهی در روند کار دیده نشد. نمره دانش آموزان هم یکی دیگر از شواهد و مشاهدات مستقیم من بود .

در نوبت بعد با دانش آموزان صحبت کردم و به صورت شفاهی مصاحبه ای انجام دادم که «بچه ها هیچ فکر کرده اید چند مدتی است کلاستان آشفته شده و تا پایان سال تحصیلی وقتی نمانده. چه برنامه ای دارید؟ چه می خواهید انجام دهید؟ چرا درس نمی خوانید؟ و . . . چرا چنین جوی را از نظر اخلاقی و درسی ساخته اید؟» که با این پاسخ ها مواجه شدم: خانم چرا رفتار درست و مساعد داشته باشیم؟ چرا درس بخوانیم در حالیکه نه رفتار خوب ما و نه تغییرات درسیمان به چشم اولیای مدرسه نمی آید. هیچ یک از رفتارهای مثبت

ما دیده نمی شود اما روی کارهای بدمان ذره بین گذاشته شده. تشویق نمی شویم. برخی از دبیران ما که الگوی ما هستند با ما بدرفتاری و گاهاً به ما توهین می کنند و با این فکر که تا پایان سال چیزی نمانده بی خیال روزها را همچون گذشته خوش خوش می گذرانیم تا از شر مدرسه راحت شویم و . . . ما اصلاً دوست نداریم خوب بشویم بنابراین کاری برای بهبود اوضاعمان نمی کنیم. بسیار از این حرف ها متأسف و متأثر شدم و در صدد راه چاره برآمدم. ابتدا با مدیریت و معاونین وارد بحث در حیطه ی این موضوع شدم که متأسفانه با عکس العمل جالبی مواجه نشدم. ایشان به محض شنیدن اظهارات من راجع به این کلاس گفتند: «دیدید چقدر بی ادب و وقیح هستند؟» اما هیچ کس نگفت چرا بی ادبند؟ من برای بهبود وضع بچه ها از ایشان خواستم در جلسه شورای دبیران موضوع را مطرح کنیم و از همکاران یاری بخواهیم که متأسفانه در اسفند ماه جلسه ای برگزار نشد و در فروردین ماه هم موضوعات متفاوت بحث مهم بچه ها را تحت تأثیر قرار داد و هیچ وقت در جلسه این موضوع مطرح نشد. اما شخصاً در صدد برآمدم با تهیه پرسشنامه ای با موضوع دوم انسانی نظرات و پیشنهادات همکاران را جویا شدم .

با توجه به پاسخ همکاران در مورد این کلاس متأسفانه به این نتیجه رسیدم که نظرات چندان مطلوبی نداشتند. اکثراً کلاس دوم را کلاسی نامطلوب و نابهنجار تلقی می کردند. بیشتر همکاران نداشتن انگیزه، خانواده ، دوستان، بی خیالی و . . . را علت ناهنجاری رفتار دانش آموزان می دانستند. مگر یک مورد از همکاران که نظر نسبتاً مساعدی داشت. از قضا نظر خیلی از بچه ها نسبت به این همکار (طی پرسشنامه و مصاحبه ی حضوری که با آنها داشتم) چندان مساعد نبود و اکثراً از خفقان سر کلاس ایشان حرف می زدند. به زعم اینجانب بچه ها به دلیل جدیت شدید این همکار محترم سر کلاس وی آرامش را حفظ می کنند و ایشان هم نسبتاً از این وضع راضی هستند. در زمینه پیشنهادات همکاران راجع به بهبود وضع این کلاس اکثراً دوستی بیشتر، برخورد جدی توأم با مهربانی، تشکیل کلاسهای اخلاق اسلامی و استفاده از سخنران مجرب و تشویق بچه ها و ارزش دادن به رشته انسانی را مؤثر می دانستند. ولی با توجه به مصاحبه ای که با بچه ها انجام دادم و پرسشنامه هایی که پر کردند، به این نتیجه رسیدم که احتمالاً این نظرات و پیشنهادات در حد شعار است

و هیچ کدام از ما و همکاران متأسفانه اقدام جدی در این زمینه انجام نداده ایم و در کل کلاس دوم از دید اکثر همکاران کلاسی پر از مشکل است ولی هیچ کس تا به حال در صدد رفع مشکلات بر نیامده است.

کتبی در این زمینه به من کمک می کرد و مطالعه کردم و برخی از بخش های آن به عنوان پیشینه ی تحقیق آمده است که در این رابطه منابع زیر را مطالعه کردم:

۱- هنجار و ناهنجار ← دکتر شکوه نوابی نژاد

۲- اخلاق و تربیت اسلامی ← استاد مرتضی مطهری

دفتر انتشارات دانشگاه اسلام

## تعریف مفاهیم و واژگان کلیدی

چگونه: چه ، گونه، به دو معنا در فرهنگ معنی شده ۱ از چه نوع در چه وضع ؟ ۲ ادات تعجب چه جور چطور ؟ (فرهنگ معین صفحه ۹۴۱ جلد ۱)

می توانم : تواننده، توانا، توانسته، قدرت داشتن، توانایی داشتن ف (فرهنگ معین صفحه ۴۹۱)

انضباط: (مص ل) اسامان شدن ، به نوا شدن ، خوب نگاه داشتن ، نظم داشتن ، ۲ اسامان پذیری، آراستگی، ۳ پیروی کامل از دستورات نظامی (فرهنگ معین صفحه ۳۲۹ جلد ۱)

دانش آموزان: آنکه علم آموزد ۲ (نو). شاگرد دبیرستان (فرهنگ معین صفحه ۱۰۶۱ جلد ۲)

دوم راهنمایی: هدایت، راهبری، (ص ۷۳۰ معین) دوره راهنمایی پس از دوره ابتدایی آغاز می شود و مرحله دوم آموزش همگانی به شمار میرود. طول مدت تحصیل در آن سه سال تعیین شده است و معمولاً گروه سنی ۱۱ تا ۱۳ سال در آن تحصیل می کنند. [www.aftabir.com](http://www.aftabir.com) که در این تحقیق ۲۵ دانش آموز دختر ۱۳-۱۲ ساله هستند.

بهبود: به بودن، خوب بودن، به دو معنا در فرهنگ معنی شده ۱ - بهتری ترقی تدریجی ۲ - عافیت سلامتی تندرستی. ۰ (فرهنگ معین صفحه ۴۷۶ جلد ۱)

## یافته های علمی

انضباط: از نظر معنای عبارتست از اعمال قواعد و مقرراتی که یادگیری را تسهیل می کند و اخلال در کلاس را به حداقل کاهش می دهد (صفوی/۱۳۸۳).

لوفرانسو (۱۹۹۱) معتقد است انضباط بدان دسته از اعمال معلم اطلاق می شود که مانع سرزدن رفتارهای از دانش آموز است که فعالیت کلاسی را مختل یا تهدید به اخلاص می کند (صفوی به نقل از زمانی، ۱۳۷۸).

به نظم و انضباط به عنوان روشی برای تعیین حدود، انتظارات و وظایف بیندیشید. (نشریه پیوند، فروردین ۸۵،

شماره ۳۱۸، ص ۳۱)

عدهای کنترل رفتار فراگیرندگان و تسلط بر عوامل رفتاری آنان را انضباط می نامند، برخی معتقدند؛ نظم و انضباط شامل هر نوع سازماندهی در محیط مدرسه و کلاس است، به نحوی که سبب افزایش یادگیری شود.

اصغری پور بی انضباطی را اینگونه تعریف می کند: «هر نوع رفتاری که از ارزشهای پذیرفته شده جامعه به دور است (با توجه فرهنگ) و دارای تکرار شدت و مداومت است و در زمانها و مکانهای متعدد اتفاق می افتد و همچنین رفتاری است که با درماندگی و کاهش کارایی فرد همراه است».

ایزابل کلاک: «بی انضباطی را رفتاری می داند که از طرف تعدادی از دانش آموزان انجام می شود و مشکلاتی را برای فرد معلم به وجود می آورد و معلم را در راه رسیدن به هدف که ارتقای تحصیلی دانش آموزان است با مشکل روبرو می کند و مانع از پیشرفت کار تحصیلی می شود و رفتار آنان نا معقول و نا منظم است».

پایبندی به ضابطه ها در یک گروه اجتماعی باعث تداوم آن می شود. انضباط، اخلاق کلاس درس است و بدون آن کلاس تبدیل به یک ازدحام یا غوغا می شود. (سی ام فلینگ، الیزابت پروس، ۱۳۷۳، ص ۸۰)

انضباط در معانی مختلف اطاعت کورکورانه، تنبیه، محدودیت، نظم، قاعده و قانون استعمال می شود. توجه به مفهوم انضباط از لحاظ تربیتی برای مربیان ضروری به نظر می رسد زیرا یکی از مشکلات و مسائل مهم آموزش و پرورش در مدرسه انضباط و کلاس داری است. چون تا معلمی نتواند کلاس خود را خوب اداره کند هرگز نخواهد توانست چیزی یاد بدهد. بنابراین می توان گفت کلاسی که انضباط بر آن حکم فرماست کلاسی است که از یک عده دانش آموز که تابع انضباط باشند تشکیل یافته است. البته منظور از کلاس درس با انضباط این نیست که تسلط و کنترل بر آن حکم فرما باشد زیرا اگر دانش آموزان ساکت و آرام بنشینند چیزی یاد نمی گیرند. (ماهنامه آموزشی، خبری، شماره ۱۷۵، ص ۱۶)

وقتی پای انضباط به میان می آید رفتارهای آرام بهتر از کلام موثر واقع می شود. همه شاگردان کلاس باید برای رشد مهارت های کلامی، آزادانه در یک بحث کنترل شده مشارکت داشته باشند. (انضباط بدون اشک، ردولف، پرل کاسل، ص ۴۶)

برخی مشکلات ساده انضباطی عبارتند از: دانش آموزی که به هنگام تدریس معلم، مداد خود را می تراشد وقوع نزاع میان دو دانش آموز، صحبت های مغل محیط کلاس درس، رد و بدل کردن کاغذهای یادداشت، بی اعتنائی به درخواست معلم، رابطه عناد آمیز بین گروه های دانش آموزی و ... (مدیریت کلاس درس، دکتر محمد نریمانی، صفحه ۳۴)

روشن است که مشکلات انضباطی موجب تعارض و کشمکش درونی اکثر والدین (بین دوشیوه سخت گیری و اسانگیری می شود) (زندگی ۱۳۷۷ ص ۱۳) در خصوص مشکلات انضباطی در بعد آموزشی باید یادآور شد که دو مؤلفه اساسی برای ایجاد نظم در فعالیت و فرایند یادگیری در کلاس، انضباط و آموزش موثر و گیراست. (کریاکو ۱۹۹۸، ص ۵۵)

هدف انضباط از بین بردن آزادی نیست بلکه اعطای حداکثر آزادی در حدود تربیت به دانش آموز است. پس نوع انضباط بر حسب نوع یادگیری و از درسی به درس دیگر فرق می کند. چنانکه به عنوان مثال هرگاه دانش آموزان به نوشتن انشاء مشغولند یا به یک سخنرانی گوش می دهند باید کلاس آرام و ساکت باشد تا نتیجه مطلوب بدست آید ولی اگر درس کارهای دستی باشد در این صورت انضباط شامل حرکت و سر و صدا خواهد بود و سکوت و آرامش جایز نیست. بهترین شیوه تسلط بر کلاس آن است که بر احترام متقابل بین معلم و دانش آموزان مبتنی باشد. به عبارت دیگر معلم باید در دل دانش آموزان نفوذ کند نه اینکه وسیله ی ارباب باشد و چوب و فلک را نعمت بهشتی بداند (ماهنامه آموزشی، خبری، شماره ۱۷۵، ص ۱۶)

### پیشینه تحقیق:

تحقیقی در مرکز تربیت معلم شهید بهشتی مشهد با موضوع: روش های افزایش انضباط در بین دانش آموزان دوره ی ابتدایی توسط آقای سعید ابراهیمی به راهنمایی آقای دکتر تلخایی در بهار ۸۷ صورت گرفته است.

راههایی پیشنهادی و نحوه استفاده از روش ها را نیز مورد بحث قرار داده است. با توجه به تحقیق "کانین" که مشکلات بی انضباطی را از اقدامات پیش گیرانه ی معلم می داند. راههای برای پیش گیری این عمل ارائه می شود. سپس علل بی انضباطی را بررسی کرده و راههایی برای کاهش

این علل ارائه خواهد شد. برای برخورد با رفتارهای بی‌انضباطی و بی‌انضباطانه نیز با توجه به دیدگاه‌های دانشمندان، معلم، مدرسه، دانش آموز و اجتماع

همچنین آقای حسین پیریایی در مقاله‌ای به بررسی اهمیت و ضرورت نظم و انضباط در کلاس روش تدریس مناسب راه‌ها و فنون ایجاد نظم کلاس و یا مدیریت کلاس ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی یک معلم و رابطه‌ی آن با ایجاد نظم کلاس پرداخته است. همچنین در این مقاله ضمن تبیین و توضیح موارد ذکر شده و ارائه‌ی راه‌حل‌های کاربردی بر مبنای تئوری‌های علم تعلیم و تربیت در رابطه با موضوع مقاله، در پایان پیشنهادهایی نیز بر اساس موضوع مهم مدیریت کلاس که همه‌ی معلمان و استادان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با آن درگیر می‌باشند، ارائه کرده‌اند.

پایان‌نامه خانم مهین توکلی با عنوان *چگونه انضباط صحیح را در مدارس برقرار کنیم؟ به ارایه راهکارهای پیشنهادی تحقیق خود در مورد انضباط می‌پردازد.*

علاوه بر نظر ایشان در مورد کارکردهای اجتماعی انضباط، تأثیرات و پی‌آمدهای مثبت آن در زمینه‌ی رشد شخصیت انسانها نیز از جمله موارد قابل توجه است. انضباط، رفتار انسان را کنترل و هدایت و رسیدن به اهداف فردی را تسهیل می‌کند. بدون انضباط، فعالیت‌های فرد شکل معینی ندارد و نیروی کارآمد او به هدر می‌رود. این مسئله، بخصوص در مورد کودکان و نوجوانان، که هنوز در زندگی شخصی و اجتماعی دانش و تجربه‌ی کافی به دست نیاورده‌اند، محسوس است. در عین حال، یکی از ملموس‌ترین مسایلی که همواره در آموزش و پرورش مطرح است و ذهن معلمان را مشغول می‌دارد، مسئله‌ی برقراری انضباط در کلاس درس و اصلاح مشکلات رفتاری دانش‌آموزان است. «گزل»، روان‌شناس معروف عقیده دارد: «نخستین پانزده سال زندگی کودک به معنای واقعی سالهای اعمال انضباط و دیسیپلین است. زیرا رشد و نمو کودک در حقیقت فرآیند یادگیری انجام دادن



کارهای صحیح در زمان درست، در مکان مناسب و درست و به گونه‌ای معنی‌دار است. کودکان آرزوی متحد شدن، منظم بودن، تربیت شدن یا انضباط خاص را در سر نمی‌پرورانند؛ بلکه می‌خواهند آزاد باشند و برای خود تصمیم بگیرند و تحت هیچ‌گونه نظم و انضباطی نباشند.»

فروشگاه اسلام

## تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها:

مشکل کلاس دوم چنان که قبلاً ذکر شد بی انضباطی و بدرفتاری دانش آموزان بود و من در صدد پیدا کردن معضل این کلاس برآمدم و برای رسیدن به راههای مطلوب از روش ۶ پرسش برای تجزیه و تحلیل استفاده کردم.

### به شرح ذیل:

- ۱- چه عواملی باعث شده است که دانش آموزان کلاس دوم اینقدر بی انگیزه و گستاخ و ... شوند؟
- ۲- چرا دانش آموزان این کلاس تمایلی به بهبود وضعیت رفتاری کلاس ندارند؟
- ۳- چگونه می توان این وضعیت نامطلوب را به سمت وضعی مطلوب سوق داد؟
- ۴- چه کس یا کسانی می توانند مرا در رسیدن به هدفم (راهکاری برای بهبود اوضاع کلاس) یاری دهند؟
- ۵- از کجا شروع کنم تا بتوانم بچه ها را به بهبود اوضاع مایل کنم؟
- ۶- از چه زمانی می توانم اقدامات لازم را در بهبود وضع بچه ها اجرا کنم؟

### تفسیر:

با توجه به شواهد ۱ برای پاسخ به ۶ پرسش این نتایج بدست آمد:

عواملی که دانش آموزان کلاس دوم را اینگونه بی انگیزه و گستاخ کرده عبارتند از: عدم آگاهی بچه ها از اینکه اینگونه رفتارهای آنها چقدر ممکن است در نگرش و دیدگاه دیگران نسبت به آنها و ... گران تمام شود. علت دیگر این بود که اولیای مدرسه نقطه های مثبت رفتاری بچه ها را نمی دیدند و مدام انگشت روی نقاط ضعف آنها می گذاشتند و دائم به قول خود دانش آموزان سر هر مسئله ای به آنها گیر می دادند به حدی که بچه ها اعتقاد داشتند سال تحصیلی که تمام است و هر چه بوده گذشته و این مدت باقی مانده هم با بی خیالی می

گذرد. به این نتیجه رسیدم که از جمله افرادی که می توانند مرا در امر رسیدن به راهکارهای مطلوب یاری دهند، در هر مرحله ای خود بچه ها هستند و بعد از ایشان اولیای مدرسه، معاونین و مدیر و اولیای دانش آموزان و برای رسیدن به هدفم با افراد ذیصلاح همچون معاون و مربی پرورشی مدرسه مشورت کردم. مثلاً به پیشنهاد مربی محترم پرورشی تصمیم گرفتم از نمایش یک فیلم در امر تعلیم و تدریس یک درس استفاده کنم و به صورت غیر مستقیم اخلاق پسندیده را به آنان آموزش بدهم. از آنجایی که بچه ها به فیلم علاقه مند هستند، این امر هم در ایجاد رابطه ای دوستانه و ساختن جوی مساعد مرا یاری کرد و هم تقریباً نتیجه ی دلخواهی نصیبم شد. دیگر اینکه با ایجاد یک اردوی دوستانه با دانش آموزان توانستم از خوششان در حل مشکلاتشان استفاده کنم. و تشخیص دادم زمان مساعد و مناسب برای اقدام های لازم دقیقاً بعد از شناخت معضل و مکان مناسب این کار در مرحله ی اول می تواند خانه و بعد مدرسه و مکان های تفریحی و اردوگاهها باشد.

مکتب‌خانه اسلامی

## اجرای راهکارهای پیشنهادی و نظارت بر آنها:

راهکارهای پیشنهادی را می توان از درون داده ها چنین بدست آورد و نتیجه گرفت:

۱- گرفتن کمک از خود دانش آموزان در حل معضل خودشان با ایجاد ارتباط و دوستی

۲- مشورت و جلسه با اولیای مدرسه و همکاران و گرفتن ایده های ایشان برای حل معضل

۳- مشورت با اولیای دانش آموزان برای حل معضل

۴- ایجاد انگیزه با ترتیب دادن برنامه های متنوع، اردو و برنامه های شاد

۵- تقویت اعتماد به نفس و تشویق و ترغیب ایشان به بهبود اوضاع

۶- توجه به محاسن و ندیدن و اغماض عیوب ایشان تا حدی که به مسئله تربیتشان لطمه نزند و به آنها کمک کند.

۷- تغییر روش تربیتی و آموزشی از سنتی به نوین

۱- گرفتن کمک از خود دانش آموزان در حل معضل خودشان با ایجاد ارتباط و دوستی. در این مورد چنانچه به خاطر دارم، در اوایل امر به دلیل کم تجربگی خودم و عدم شناختم از دانش آموزان سعی کردم خودم هم کمی خشک برخورد کنم و فکر می کردم اگر با بچه ها راحت تر باشم ممکن است خودم و کلاس هم مورد سوء استفاده قرار بگیریم و این را یکی از عواملی دیدم که در خراب شدن اوضاع این کلاس و ایجاد فاصله بین من و دانش آموزانم و سخت شدن کار مؤثر بود. به طور مثال زمانی که حتی بچه های کلاس ابراز علاقه به اینجانب می نمودند حال یا به زبان می آوردند یا به هر نحو دیگری، من نیمه ی خالی لیوان را می دیدم و فکر می کردم همه ی این رفتارهای آنها چالپوسی است و همین امور باعث ایجاد شکاف و مشکل شد. تا اینکه در طی این مدتی که روی این کلاس اقدام پژوهی انجام می دادم به این نتیجه رسیدم که عدم توجه و کم تجربگی خودم یکی از عوامل مشکل آفرین بوده در حالی که دبیر دینی و عربی باید با دانش آموزانش دوست باشد،

اعتماد آنها را جلب کند، درد آنها را بفهمد و رسالتی بیش از سایر دبیران بر عهده دارد. تصمیم گرفتم تغییر رویه بدهم، کمی نرم تر و در عین حفظ اقتدار روابط را حسنه کنم. اتفاقاً تقریباً موفق شدم و در این راه اینگونه عمل کردم:

در یکی از جلسات کلاس یکی از دانش آموزان که در برخورد با من رعایت ادب و احترام را می نمود، اما در عین حال شیطنت در وجودش موج می زد و اتفاقاً شخصیتی داشت که حکم رهبر یا معاون رهبر گروه بچه های شیطان کلاس را داشت آمد و گفت آقا امروز بیایید با هم برویم خانه تا یک مقدار از راه که با هم هم مسیر بودیم همراهیم کرد. بین راه حس کردم او حس نزدیکی بیشتری نسبت به گذشته با من می کند. شاید قبلاً هم بارها می توانسته و دوست داشته بیاید و پیشنهاد همراهی را به من بدهد ولی به دلیل برخورد های خشک و رسمی من به خود این اجازه را نمی داد یا شاید هم این بر می گشت به جو خارج از کلاس و مدرسه و این علت این امر بود به هر حال او چنین حسرتی پیدا کرده بود. در بین راه دیدم راحت تر شد و موبایلش را از کیف بیرون آورد و آن را چک کرد بعد گفت آقا می شود شماره تان را به من بدهید؟ اول کمی در این کار تردید داشتم اما بعد شماره را دادم. او هم شماره اش را به من داد و این اولین گام در ایجاد دوستی با یکی از اعضای این گروه مشکل دار و مشکل ساز بود و چون او به نوعی رهبریت سایرین را بر عهده داشت این کار من در حل مشکل با بقیه نیز بی تأثیر نبود. آزمون نیمه اول (دی ماه) را که از بچه ها گرفتم، یکی از ضعیف ترین دانش آموزان از لحاظ درسی و شیطان ترین آنها از لحاظ اخلاقی نمره پایانی اش ۵ شد. زمانی که به آنها اعلام نتیجه کردم کلیه دانش آموزان در ابراز هم دردی با دوستشان از من خواستند که آقا از ما یکی یک نمره کم کنید و به احمدی بدهید. در عین حال احمدی (همان دانش آموز ضعیف و شیطان) به حالتی که نمی دانستم واقعاً متنبه شده یا اینکه این هم یکی از حرکات به قولی دلچک بازی و شیطنتش هست. مدام می گفت: آقا من قول می دهم جبران کنم، سرم به سنگ خورده فقط نگذارید من از این درس بیفتم و ... اما همین حرف ها را هم با خنده می گفت. دقت که کردم دیدم اصلاً پسر شاد و خنده رویی است و نمی تواند

خود را حتی تصنعی هم شده ناراحت نشان دهد. من آن روز مقاومت کردم و گفتم احمدی باید نتیجه بی خیالی و درس نخواندن هایش را ببیند و به او گفتم: نمره تو تغییر نخواهد کرد و ...

شب از علی (دانش آموزی که قبلاً شماره تلفنم را از من گرفته بود) پیامکی دریافت کردم که خانم زارع شما را به خدا به احمدی کمک کنید و ... ضمناً ذکر دو چیز لازم است: یکی اینکه علی قبلاً (چند روز قبل از این پیامک) هم چندین پیامک طنز و ادبی برایم فرستاده بود و صرفاً به این دلیل نبود که پیامک داد. دوم اینکه از اتحاد بچه ها خیلی خوشم آمد. هر چند این مورد اتحاد چندان مثبتی نبود، اما این ویژگی آنها را می توانستم در جهت مثبت هدایت کنم. قضیه را با دفتر مدرسه مطرح کردم و به این نتیجه رسیدم که یک فرصت به این دانش آموز بدهم و آزمونی دوباره از او بگیرم که این امر هم مرا در ایجاد رابطه و دوستی بیشتر با بچه ها یاری داد و هم آن دانش آموز با گرفتن نمره حداقل ۱۰ توانست به قول خودش از پرتگاه تجدیدی بیرون بیاید. در همین راستا در اوایل فصل بهار بعد از تعطیلات عید یک روز که با این کلاس درس داشتم به شدت باران می آمد. بچه ها گفتند آقا برویم زیر باران و از هوای بهاری لذت ببریم. البته دفتر مدرسه نگران ایجاد بی نظمی در مدرسه شده بود زیرا در این ساعت چند کلاس دیگر هم به دلایلی سر کلاسهایشان نبودند، و نهایتاً هم از من شاکی شدند. چون می خواستم با بچه ها همراهی و مدارا کرده باشم، با آنها به حیاط رفته و زیر باران شدید، از هوای لطیف و باران بهاری لذت برده و بعدمگی خیس به کلاس بازگشتیم. آن روز کلاس تماماً به بازی زیر باران و خشک کردن تن و لباس هایمان گذشت و همه این موارد قدم به قدم در اصلاح وضعیت کلاس مرا یاری داد.

۲- مشورت و جلسه با اولیای مدرسه در راستای حل معضل بچه های دوم اما به دلایل ذیل به وقوع نپیوست:  
اول اینکه مسئله را با اولیای مدرسه مطرح کردم و از آنها راهکار خواستم و گفتم کاش همه همکارانی که با بچه های این کلاس سر و کار دارند را در یک جلسه گرد هم می آوردم و با مطرح کردن مسئله از نظرات ایشان نیز بهره می بردیم. ایشان گفتند در یک جلسه شورای دبیران مسئله را عنوان می کنیم که جلسه شورا یکی دو بار پس از این صحبت تشکیل شد که همیشه متأسفانه مسائلی که از دید مدرسه مهم تر بود مانع از

طرح مسئله کلاس دوم شد و این مسئله هیچ گاه در شورا مطرح نشد. این بود که تصمیم گرفتیم با ایجاد پرسشنامه از نظرات همکاران استفاده کنیم که متأسفانه نسبت به جلسه شورا نتوانست به عنوان راهکاری مؤثر واقع شود. در مورد نظرات اولیای دانش آموزان و جلسه با ایشان هم همین موانع وجود داشت.

۳- در زمینه ایجاد انگیزه با ترتیب دادن اردو و برنامه های شاد اینگونه عمل کردم:

زمانی که تصمیم به رفتن به اردو با بچه ها گرفتیم، متأسفانه متوجه شدم بخشنامه آمده که همه ی اردوها لغو شده است. و تنها کاری که توانستم در این مورد انجام دهم این بود که چند بار که کلاس با برنامه ی جشن های پرورشی مدرسه برخورد می کرد و اختیار را به همکاران می دادند که اگر می خواستند می توانستند کلاس را تشکیل دهند، برای آنکه بچه ها بتوانند در آن ساعات از نظر روحی آرام شوند و بتوانند خود را با شادی و شرکت در جشن تخلیه روانی کنند، اجازه رفتن به جشن را به آنها می دادم. در ضمن خودم هم سعی می کردم همراه با آنها و در نزدیکترین مکان به آنها حضور می یافتم. و متأسفانه با توجه به شرایط تنها کاری که از دستم برآمد اینهایی بود که مطرح کردم و نه بیشتر.

۴- توجه به محاسن و ندیدن و اغماض عیوب ایشان تا حدی که به مسئله ی تربیتشان لطمه نزنند و به آنها کمک کند. در این زمینه سعی کردم همیشه توانایی های بچه های دوم را درشت تر ببینم و گه گاه برخی کارهای مثبتشان را در کلاس های دیگر به عنوان الگو مطرح کنم. از آنجایی که بچه ها با هم در ارتباط اند و به یکدیگر اطلاع می دهند که فلان معلم راجع به شما چه می گفت، بچه ها باور کردند که نقاط مثبتی هم دارند. یک مرتبه هم از معاونت مدرسه تقاضا کردم که به عنوان تشویق در صف صبحگاه نامی از این کلاس بیاورد که این کار در بهبود وضع رفتاری بچه ها خیلی مؤثر بود. در ضمن هر گاه از دفتر به کلاس می رفتم حتی به صورت مصلحتی به بچه ها می گفتم: بچه ها جدیداً دفتر از شما خیلی رضایت دارد. این را خودتان می دانستید که خیلی عوض شده اید؟ و این کار خیلی آنها را بزرگ می کرد و در جهت بهبود دیدگاه مسئولان مدرسه سعی می کردم معایب بچه ها را کمتر مطرح کنم، مگر زمانی که به کمک ایشان جداً نیازمند بودم و

محاسن بچه ها را بزرگ کرده به مسئولان گوشزد کنم که این کار در بهبود روابط بچه ها با دفتر مدرسه نیز بسیار مؤثر واقع شد.

۵- در مورد تغییر روش تدریس از سنتی به نوین سعی کردم ابتدا فضای کلاس را از شکل خشک و رسمی بیرون بیاورم به این صورت که صندلی های بچه ها گرداگرد کلاس چیده شود، همه چهره به چهره روبروی هم بنشینند و صندلی خودم را هم در میان آنها تعبیه کردم و ضمن گروه بندی آنها بنا به اقتضای درس از روش های مشارکتی و اعضای تیم در امر تدریس استفاده کردم که حس دوستی و روحیه ی همکاری را در بچه ها تقویت کرد. از دیگر اقداماتم در این راستا اینگونه بود:

در تاریخ ۹۱/۹/۱۷ ابتدا با دانش آموزان وارد بحث شدم و به درد دل و مشکلات ایشان به صورت یک مصاحبه ی شفاهی از وضع برخوردهای بد مدرسه (اولیای مدرسه) و کمبودها گوش دادم و سعی کردم ایشان احساس اعتماد بیشتری نسبت به من کنند. به طور مثال زمانی که با تخلف آوردن موبایل توسط یک دانش آموز مواجه شدم، با اغماض ایجاد اعتماد کردم.

پس از گرفتن یک آزمون در تاریخ ۹۱/۱۰/۱۷ و مشاهده ی نتایج مطلوب تر از گذشته ی ایشان سعی کردم ایشان را تشویق کنم که در جهت جلب اعتماد به نفس و ایجاد انگیزه و ایجاد رابطه ی حسنه ی خودم با بچه ها بسیار مؤثر بود.

در تاریخ ۹۱/۱۰/۲۲ پرسشنامه ای ترتیب دادم و نظرات همکاران را جويا شدم که پیشنهادات و اظهار نظرات ایشان نیز مرا در این امر تا حدی یاری رساند.

در تاریخ ۹۱/۱۱/۱۶ آزمون دیگری از بچه ها به عمل آمد که نتایج نسبتاً بهتری از دور قبل به اینجانب داد و این نشان بالا رفتن نمودار انگیزه در بچه ها بود ضمن اینکه کلاس توانسته بود آرامشی نسبی به دست آورد.

در تاریخ ۹۱/۲/۱۹ به عنوان اقدامات پایانی کار نظرات برخی همکاران را جويا شدم که خوشبختانه کم و بیش شاهد تغییر و تحول در جهت مثبت در نظرات ایشان شدم و این نشان بهبود اوضاع بود.



## گردآوری شواهد ۲:

با توجه به طرح معضل و یافتن راهکارها پس از پرسش از بچه ها و همکاران و مشورت و همیاری دوستان ، عکس ها و اسنادی از بچه ها تهیه کردم که متأسفانه به دلیل سهل انگاری این اطلاعات از روی سیستم مدرسه پاک شد .

## ارزیابی تأثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار:

براساس شواهد ۲ تأثیرات اقدامات انجام شده را بنا به دلایل زیر مثبت ارزیابی کردم:

گزارشی از کلاس توسط مدیر محترم تهیه شد که متأسفانه این اسناد نا خواسته مفقود شد.

و تعیین اعتبار از طریق افراد زیر انجام گرفت:

۱- ارزیابی طرح توسط دانش آموزان به وسیله پرسشنامه

۲- توسط همکاران و دبیران

۳- به وسیله کتاب ها

## ارائه راه حل های پیشنهادی و بررسی راه حل ها

نظر به همفکری ها و بررسی هایی که در مراحل پیش داشتیم راه حل هایی به منظور افزایش روحیه انضباط در دانش آموزان کلاس دوم به عنوان راه حل موقت در نظر گرفتیم..

۱- تاکید بر وقت شناسی معلم از این جهت که الگوی عملی خوبی برای دانش آموزان است. اگر چه نظم و انضباط تنها به موقع آمدن و رفتن نیست اما این خود جزء کلی انضباط محسوب می گردد و در واقع نظم شامل همه امور زندگی و برنامه های انسانی است و روحیه نظم را در خود بوجود آورند چرا که اگر این حقیقت جزء خصلت های آدمی نبود دگر دوری و نزدیکی برای او مفهومی نخواهد داشت و در صورت خلاف اگر منزلش به دیوار محل کارش و یا اداره اش چسبیده باشد باز با تاخیر ورود در محل کارش حاضر خواهد شد و این خود یک عیب بزرگ است و شخصیت آدم را به خطر می اندازد و کمالاتش نادیده گرفته می شود (مجید رشید پور - ۱۳۸۱ - صفحه ۱۴۷).

۲- صحبت با والدین دانش آموزان به منظور تبادل نظر در زمینه های آموزش و تقویت روحیه نظم و مسئولیت پذیری فرزندان به منظور افزایش روحیه نظم در دانش آموزان . خانواده ها بنا بر فرهنگ و ذوق و سلیقه و با توجه به اینکه سخت گیر باشند یا سهل انگار و یا آگاه به مسائل تعلیم و تربیت می توانند آثار تربیتی مثبت و یا منفی بر جای بگذارند.

۳- حقوق افراد در کلاس مشخص شده و همواره از این حقوق دفاع شود و بدین منظور قوانینی بر اساس حقوق دانش آموزان در کلاس با کمک خود آنها تعیین شود. و نصب این قوانین در کلاس تا در مواقع لزوم در دسترس باشد و بتوان به آن رجوع کرد. در یک فضای آموزشی مواردی وجود دارد که چانه زدن بر نمی دارد و باید بی کم و کاست اجرا شود و منعکس کننده نیازهای اولیه دانش آموز است این موارد همان حقوق افراد می باشد که به ما کمک می کند در برابر رفتار های نامناسب

واکنش های منطقی نشان بدهیم و مدام مجبور نباشیم این جواب نیش دار را به دانش آموز بدهیم که : چون من می گم! و رعایت این حقوق باعث می شود برای آموزش رفتارهای مناسب به دانش آموز چهار چوب مشخص در اختیار داشته باشیم همچنین برای حمایت از حقوق دانش آموزان (امنیت ، یادگیری و برخورد عادلانه با آن ها ) و برهمن اساس نکته مهم روشن کردن ارتباط بین حقوق و قوانین برای دانش آموزان است و در این صورت قوانین از نظر بچه ها عادلانه و پیروی کردن از آن آسان تر خواهد بود. ( جوان امروز - ۴ قانون برقراری انضباط در کلاس شماره ۳۵۱۹ - مهر ۱۳۸۸ - ص ۲۸)

۴- در کلاس به دانش آموزان فرصت داده شود آزادانه بین رفتار مناسب و نامناسب اجتماعی هر کدام را بخواهند انتخاب کنند تا میزان مسئولیت پذیری آنان بالا رود و دانش آموز نتیجه هر کدام از انتخاب هایش را ببیند . اگر دانش آموز آزاد باشد بین رفتار مناسب و نامناسب اجتماعی هر کدام را بخواهند انتخاب کند استقلال شخصیت پیدا می کند ، میزان مسئولیت پذیری او را بالا می برد ، خود را ارزشمند احساس می کند (هریس کلمز - ۱۳۷۵ - ص ۲۷)

۵- تاکید و تمرکز معلم بر کارش به عنوان یکی از آشکار ترین متغیر های موثر بر فرآیند یاددهی و یادگیری در کلاس این راه حل شامل تمام کارهایی می شود که معلم از شروع تا خاتمه کلاس باید به آن توجه کامل داشته باشد . تحقیقات نشان داده اند فعالیت هایی که به عنوان مقدمه یادگیری شناخته می شوند تاثیرات غیر قابل انکار را روی نتیجه یادگیری نیز می گذارند و شخصی از جریانات آموزشی بهتر از دیگر جریانات به ترقی و پیشرفت یادگیری کمک می کند . شروع خوب در جریانات آموزشی یک نمونه از این جریان است. (سی ام فلینگ - ۱۳۷۳ - ص ۱۱۹)

۶- بکارگیری روش های نوین یاددهی و یادگیری به منظور تنوع روشهای تدریس و ایجاد علاقه و فعال نمودن و مشغول نگهداشتن دانش آموزان و داشتن آمادگی قبلی به طوری که مواد و وسایل آموزشی و نوع پرسش ها و فعالیت ها را از قبل آماده کنم این نکته بسیار مهم است که وسایل ابزاری که به کار می بریم بشناسیم هیچ عاملی بیشتر از این دانش آموز را از معلم روگردان نمی کند که دریابد معلم بر کارش مسلط نیست و در صورتی که اطلاعات ناقص یا نادرست داده شود از آن به بعد هرچه بگوییم تردید خواهد کرد و همین ممکن است دست آویزی شود برای شیطنت و به هم ریختن نظم کلاس .

۷- برای هر یک از دانش آموزان وظیفه ای مشخص کنم . آگاه باشیم که برخی ها آنقدر وظایفشان را با بی کفایتی انجام می دهند تا به این سعادت دست یابند که دیگران آن ها را کودن بدانند و از انجام برخی وظایف معاف کنند و به این صورت در کلاس احساس آسودگی خاطر کنند. برخی ممکن است آنقدر کند کارشان را انجام دهند تا معلم آن کار را از آنان گرفته و خود انجام دهد . برخی وانمود می کنند سخت در تلاشند می گویند ببیند چقدر زحمت کشیدم در حالیکه واقعاً کاری انجام نمی دهند. برخی هم کار را به نحوی ناقص انجام می دهند ، تظاهر می کنند موافق انجام فعالیت مورد نظر هستند و با وجود انجام قسمت اعظم کار واقعاً آن را به پایان نمی رسانند و ممکن است ما یا خود آن را تکمیل کنیم و یا به دیگری واگذار کنیم . و یا فراموشی، که نکته ای اساسی در آموزش مسئولیت پذیری است و باید تمهیداتی به کار بریم تا از فراموشی بچه ها کاسته شود. (هریس کلمز-۱۳۷۵ - ص ۴۶) به هر حال بچه ها زیرکانه سیاستهای مختلفی به کار می برند تا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند که یک معلم هوشیار باید مراقب این موقعیت ها باشد و بداند چه می کند.

۸- تشویق دانش آموزان منضبط و پرهیز از تنبیه و توهین و تحقیر دانش آموزان بی قید و گذشت و بخشش در مورد اشتباهات آنها به طوری که لوس نشوند (کل کلاس را برای بد رفتاری یک یا چند نفر تنبیه نکنیم)

هیچ موجودی به اندازه انسان ظریف نیست این موجود لطیف راه های نفوذ پذیری دارد اگر از راهش وارد شدیم به تسخیر در آمده ، عالیتترین تجلیات فکری و هنری و ذوقی و معنوی را از خود بروز خواهد داد. حماسه ها خواهد آفرید . شاید عالیتترین ابتکارات انسانی مرهون تشویق و ترغیب ها بوده است.

اگر همه از بیراهه وارد شویم مقاومت کرده تسلیم نخواهد شد ، همه استعدادهایش به هرز خواهد رفت . بنابراین بر عهده ماست که چگونه رفتاری انتخاب کنیم تا همه نیروها و استعدادهای درونی دانش آموزان بسیج گردد و برخی از معلمان و مربیان بر اثر خامی و بی تجربگی راه خشن و تندی را انتخاب کرده و به جای شکوفایی ، همه نیروهای درونی را به باد می دهند. (مجید رشید پور ۱۳۸۱، ص ۱۲۴)

۹- تغییر چیدمان صندلی های کلاس و استفاده از کارهای گروهی همچنین برگزاری برخی از جلسات در حیاط مدرسه می تواند دلزدگی از کلاس را کاهش داده و نظم کلاس را افزایش دهد.

## منابع

- رفتار های بهنجار و نابهنجار نوشته دکتر شکوه نوایی نژاد
- کتاب روانشناسی رشد نوشته دکتر لطف آبادی
- مجله رشد تکنولوژی - مقاله ویژگی ها و خصایص ذاتی تربیت نوشته دکتر علی اکبر شعاری نژاد
- مجله پیوند - اصول برقراری ارتباط با نوجوان نوشته دکتر احمد به پژوه

موسسه تخصصی روانشناسی  
پژوهشگاه اسلام